

۱۶۸۳۷

کتاب اندیشه	مجله
مکتب اسفند ۱۳۶۸	تاریخ نشر
۲۸	شماره
	شماره مسلسل
م	محل نشر
فارسی	زبان
میرزا محمد باقر آرازمی	نویسنده
۱۵	تعداد صفحات
ارتباط و تناسب آیات در قرآن	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

۱۵

ارتباط و تناسب آیات در قرآن

عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

مقدمه

یکی از علوم مهم قرآنی، علم تناسب آیات است. مناسبت در لغت به معنای مشاکلت، یعنی همشکل بودن، و نزدیک بهم بودن است. و در اصطلاح علوم قرآنی، به معنای ربط دهنده میان آیات برمی‌گردد که این معنای رابط خواه عام باشد یا خاص، عقلی و یا حسی و یا تلازم ذهنی مانند سبب و مسبب و علت و معلول و نظایر و اضداد او، مانند آنها، با توجه به این روابط و تناسبها، تالیف کلام، مانند ساختمان محکمی می‌شود که قسمتهای مختلف و گوناگون آن با هم مربوط و هماهنگ می‌باشند.^(۱)

از نظر علمای بلاغت مهمترین وجه اعجاز قرآن، همین ترکیب و ترصیف خاص آن است. و بی‌توجهی به ترکیب خاص آیات و یا تجزیه و دستچین کردن و ریختن آنها در قالب محدود و یک بعدی بشری، قرآن را از کلام الهی و اعجاز و نطق و بیان و پیشرفت می‌اندازد و به صورت کلمات قصار و پراز ابهام و تکرار، درمی‌آورد.

همانطور که پروفیسور «عرفان شهید» در مقاله خود تحت عنوان: A contribution to Quranic exegesis می‌نویسد: «توجه به همبستگی آیات یک سوره در تفسیر قرآن، بسیار حائز اهمیت است،

زیرا تجزیه آیات قرآن و تفسیر هریک، جدای از تمامی سوره، بیش از هر چیز برای قرآن زبان آور است.»^(۲)

علم ارتباط و تناسب آیات

همانطور که سیوطی در اتقان می‌نویسد: «علم مناسبت (آیات)، فنی ارزنده است و مفسرین- بخاطر دقتی که در آن هست- کمتر به آن اهتمام ورزیده‌اند.»^(۳)

اغلب مترجمین و مفسرین، از ابتدا، همبستگی و ارتباط آیات را مورد توجه قرار نداده بلکه بعضی مینای کار خود را بر اساس عدم ارتباط آیات قرار داده و همواره از این بعد، به آیات نگرستانند. از سوی دیگر، شرح لغات و تفسیر کلمات و مفردات و استطرادهای معمول در تفاسیر و پرداختن به جزئیات و فرعیات حواشی و اشکال و جوابهای کلامی و فلسفی و فقهی و غیره رشته پیوند و ارتباط میان آیات را از هم گسسته است. همانطور که آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر می‌نویسد: «سرچشمه این نوع تفسیر بریده و گسسته، این است که تفسیر ابتدا شعبهای از حدیث بوده و محدثین قسمتی از هر آیه‌ای که درباره‌اش حدیثی روایت شده بود جدای از

گشت، به دلیل اینکه برحسب وقایع پراکنده است، جان کلام این است که قرآن از لحاظ نزول برحسب وقایع و رویدادهاست؛ اما از جهت ترتیب و اصل مطابق حکمت بنوده، بروفق لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات و سوره‌هایش توفیقی است، چنانکه یک باره به بیت‌السعزه نازل شده است.^(۸)

فائنان به علم تناسب و ارتباط آیات

نخستین کسی که به علم تناسب و ارتباط آیات پرداخته، شیخ ابوبکر نیشابوری است که در شرح و ادبیات اطلاعات و معلومات وسیع داشته و در درس تفسیر ارتباط و تناسب آیات را مورد بحث قرار می‌داد و بر علمای بغداد یخاطر اینکه علم تناسب و ارتباط آیات را نمی‌دانستند عیب می‌گرفت.^(۹) مفسرینی که قرآن را بر مبنای همبستگی و ارتباط و تناسب آیات تفسیر کرده‌اند بدین

قرارند:

از مفسران قدیم:

فخر رازی، در «تفسیر مفاتیح‌الغیب».

برهان‌الدین ابراهیم عمر بقاعی در «نظم‌الدرر فی تناسب‌الآیات و السور».

ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی، در «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن».

ابوسوبکر العربی، در «احکام‌السنن و سراج‌المریدین».

طبرسی، در «مجمع‌السیبان» (تحت عنوان النظم).

و از مفسرین جدید:

شیخ محمد عبده، در «تفسیر القرآن‌الحکیم».

شیخ محمود شلتوت، در «تفسیر القرآن‌الکریم» و الی‌القرآن‌الکریم».

سید قطب، در «تفسیر فی ظلال القرآن».

مجموعه آیات هر سوره می‌آوردند و حدیث مربوطه را به دنبال آن نقل می‌کردند. این نوع تفسیر که مفسر یا محدث، یک یا چند آیه را به وسیله احادیث بطور پراکنده تفسیر می‌کرد، از عصر صحابه آغاز شد و تا عصر «ابن ماجه» و «طبری» در قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری با شرح و بسط بیشتر منتهی گردید و به تدریج اطلاعات تاریخی و معلومات لغوی نیز بر آن افزوده گردید و هیچگاه از چارچوبه احادیث و مدلولات لغوی پای بیرون ننهاده.^(۱۰)

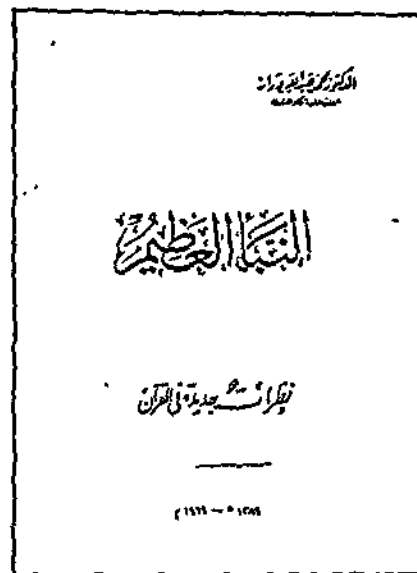
یکی دیگر از عوامل گسسته به نظر رسیدن آیات، نزول تدریجی قرآن طی بیست و اندی سال است که برای بسیاری این تصور را پیش آورده که قرآن عبارت است از آیاتی پراکنده که بی‌هدف در کنار هم جمع‌آوری شده‌اند. در صورتی که مطالعه در تاریخ نزول و جمع‌آوری قرآن، نشان می‌دهد که هر چند قسمتهای گوناگون قرآن در زمانهای مختلف بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شده، اما آن حضرت محل هر کدام را تعیین می‌کردند.

در این زمینه از ابن عباس نقل شده: «وقتی بر پیامبر (ص) وحی نازل می‌شد، نویسندگان وحی را احضار می‌کردند و می‌فرمودند: این آیات را در کنار فلان آیه از فلان سوره قرار دهید.»^(۱۱)

و اصحاب آیات و سوره‌های قرآن را به همان ترتیبی که پیامبر اکرم (ص) تعیین کرده بودند آن را حفظ و تدریس می‌کردند و یا در نماز می‌خواندند^(۱۲) و شاید با توجه به همبستگی آیات از نظر فقه و روایات شیعه است که در نماز بعد از حمد باید یک سوره کامل قرائت شود و خواندن قسمتی از سوره کافی نیست.^(۱۳)

شیخ ولی‌الدین ملوی می‌گوید: توهم کرده‌اند که مدعی شده که نباید برای آیات دنبال مناسبت

دکتر محمد عبدالله دراز، در «مدخل الی القرآن الکریم، و النبأ العظیم» و از میان محققین اروپایی A Guillaume، از کسانی است که به همبستگی آیات توجه کرده است (۱۰)



قاضی ابوبکر ابن العربی در کتاب سراج المریدین می نویسد: «ارتباط آیات قرآن به یکدیگر به طوری که همچون کلمه واحد بوده مطالب آن تقسیم پذیر و بر پایه نظم استوار باشد علم عظیمی (در علوم قرآنی) است که کسی آن را عرضه نکرده، جز یک نفر، آنهم تنها در سوره بقره و او عارف ولی الله محمدی احمد العلوی المظلومی است. سپس خداوند برای ما راهی به آن گشود. و چون افراد لایقی برای آن نیافتیم و مردم را از بطالت پیشگان دیدیم، بر آن مهر زدیم و آن را بین خود و خدای خود قرار دادیم و آن را به او باز گردانیدیم» (۱۱)

از نظر امام خمینی (رضوان الله علیه) حتی «بسم الله» در هر سوره متناسب یا مطالب آن سوره

بوده و تکراری نیست، چنانکه در کتاب «چهل حدیث» می فرمایند: «باید دانست که «بسم الله» در هر سوره به حسب مسلک اهل معرفت متعلق است به خود آن سوره... و به حسب هراعتباری در اسم معنی الله فرق می کند زیرا که آن مسماهی آن اسماء است و به حسب هر سوره ای از سور قرآن شریف که متعلق بسم الله در لفظ و مظهر آن در معنی است معنی «بسم الله» مختلف می شود» (۱۲)

مشکل اساسی در علم تناسب و ارتباط آیات مشکل مهم و اساسی در علم تناسب و ارتباط آیات، این است که وقتی موضوعات گوناگون هر سوره و گاهی حتی یک آیه به خرده های معمولی عرضه می شود و در بعضی موارد اتصال و ارتباط آنها با یکدیگر بسیار بعید بنظر می رسد تا جایی که برخی منکر ارتباط آیات شده و بعضی را بر آن داشته که بگویند جای آیه تغییر یافته یا چنین توجیه کنند که پاره های از آیات برای مصون ماندن از دستبرد آن را در لابلای مجموعه آیاتی پنهان کرده اند و از اینرو نامربوط می باشند، و یا بعضی از روایات صحیحی را که در شأن نزول آیات از پیامبر (ص) یا ائمه (ع) نقل شده کنار بگذارند به دلیل اینکه قبل و بعد آیه با آن ارتباطی ندارد، یا اینکه این گوناگونی موضوع در برخی از موارد حتی در یک آیه است.

دکتر محمد عبدالله دراز استاد برجسته دانشگاه الازهر که تفسیر سوره های بقره، یونس، و هود را بر اساس ارتباط و تناسب آیات تدریس کرده و به آثار شگفت انگیزی نائل گشته.

قرآن را به تابلوی نقاشی بسیار نفیسی تشبیه می کند که اگر نظرها را به جزء کوچکی از آن محدود کنیم، جز رنگهای مشوع و گوناگون و

آیاتی که باید سبب تاویل آن را مورد توجه قرار داد و نیز نمونه آیه‌ای که به تعبیر امام باقر(ع) اول آن درباره چیزی و وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره چیز سومی است:

طرح اشکال آیات مورد بحث و بررسی

۱- «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود، احلت لكم بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم». (مائده/۱)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمانهای خود وفا کنید که منافع چهار پایان بر شما حلال گردید مگر آنچه را که بر شما خوانده خواهد شد.

با اینکه «احلت لكم» با «اوفوا بالعقود» در یک آیه هستند، اما ظاهراً هیچ ارتباطی میان آنها به نظر نمی‌رسد.

۲- در سومین آیه سوره مائده بته دنبال تحریم گوشت‌های ناپاک می‌فرماید: «السیوم یئس الذین کفر ومن دینکم فلا تخشوهم واخشون، الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» امروز کافران از دینتان مأیوس شدند، بنابراین از آنان ترسید و از من بیم داشته باشید، امروز دینتان را کامل گرداندم و نعمت خود را بر شما به کمال رساندم و اسلام را به عنوان، آیین زندگی برای شما پسندیدم.

آنگاه به دنبال آن در همان آیه می‌فرماید: «فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم فان الله غفور رحیم» و اما کسانی که در مخمصة و تنگنا واقع شوند و متمایل به گناه نباشند مسلماً خداوند آمرزنده و مهربان است.

با اینکه علمای شیعه و نیز بعضی از علمای اهل سنت بر آنند که آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» در روز غدیر خم در مورد ولایت علی بن ابی طالب

نامربوط در کنار هم نمی‌یابیم، باید کمی به عقب برگردیم تا میدان دیدمان وسیع شود و این تابلوی زیبا و بدیع را یکجا و یکپارچه ببینیم.^(۱۳)

امام باقر(ع) در این زمینه به جابر می‌فرماید: «ولیس شیء ابعده من عقول السرجال من تفسیر القرآن، ان الایة تکون اولها فی شیء و اوسطها فی شیء و آخرها فی شیء و هو کلام متصل ینصرف علی وجوه»: چیزی دورتر از تفسیر قرآن به عقلهای مردم نیست که آیه‌ای اولش درباره چیزی و وسط آن درباره چیز دیگر و آخرش درباره چیز سومی است با اینکه یک کلام متصل و مربوط بوده که به وجوه متعدد، منصرف می‌شود.^(۱۴)

همانطور که در این روایت آمده: گونگونی موضوعات نباید ما را بر آن دارد که فکر کنیم قرآن مجموعه مطالبی است گسسته و نامربوط، بلکه باید بدانیم که قرآن با این روش از کلام بشری ممتاز می‌شود و از حالت محدود یک بعدی دارای ابعاد و بطنهای بسیار می‌گردد که به تعبیر امام باقر(ع) «ینصرف علی وجوه» (به وجوه متعدد منصرف می‌شود).

و نیز در همین روایت می‌فرماید: «ای جابر: برای قرآن باطنی است که آن باطن باطن دیگری هم دارد، و همچنین برای آن ظاهری است که آن ظاهر ظاهری دیگر به همراه دارد.

سیوطی در کتاب «اتقان» بعضی از آیاتی که ارتباط و تناسب مشکل است مطرح کرده^(۱۵) که طالبین می‌توانند به آن مراجعه کنند

در این مقاله به نمونه‌های دیگری از آیات مشکل قرآن که او و سایرین مطرح نکردمانند، می‌پردازیم، نمونه آیاتی که لازم است به فضای تاریخی خود برده شوند و همچنین نمونه کشف ارتباط آیات با کشف محور یا محورهای سوره با توجه به پراعت مطلع سوره و پایان آن، و همچنین نمونه‌ای از

نازل شده است (۱۶)

۳- آیه ۶۷ همین سوره: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فمأب سفلت رسالتک و الله یعصمک من الناس، ان الله لایهدی القوم الکافرین».

ای پیامبر! آنچه را که از سوی پروردگارت نازل شد به مردم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی رسالت او را به انجام نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم در امان نگاه می‌دارد و خداوند گروه کفر پیشه را هدایت نمی‌کند.

به اتفاق علما و مفسرین شیعه، این آیه در مورد ولایت علی ابن ابی طالبشان نزول یافته و بعضی از مفسرین اهل سنت همچون امام فخر رازی و شیخ محمد عبده و شیخ محمد رشید رضا، اظهار می‌دارند که بنا به روایات صحیح این آیه مربوط به غدیر خم و ولایت علی بن ابی طالب است، اما چون آیات قبل و بعد در مورد یهوداست؛ لذا از آن روایات صحیح دست می‌کشند.

این آیات، نمونه‌هایی از مجموعه موضوعات گوناگون در یک آیه هستند که سخن امام باقر (ع) در باره آن گذشت.

فضای تاریخی سوره مائده

برای بردن آیه به فضای تاریخی خود و کشف ارتباط اول و وسط و آخر آیه، یا سوره، لازم است موقعیت بنی اسرائیل را که مورد بحث سوره است در عصر نزول قرآن مورد بررسی قرار دهیم:

از آنجا که قوم موسی (ع) زمانی دارای کتاب و حکومت و نبوت و روزیهایی از طیبات و برتری جهانی بودند: «ولقد اتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم و النبوة و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی العالمین». (جانبه/۱۱۶)

یهودیان معاصر پیامبر اکرم (ص) که نسل

ناخلف پیشینیان خود بودند- «فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتاب یاخذون عرض هذا الادی» (اعراف / ۱۶۹)- بجای کسب معنویت و عمل به کتاب آسمانی، به دنیا روی آوردند، و دچار روحیه استکبار شیطانی و برتری قومی گشته، خود را از نسل ساره بانوی حضرت ابراهیم و اسراراب را از هاجر به عنوان کنیززادگان تبعید شده مورد تحقیر قرار می‌دادند، چنانکه نویسندگان تورات این روحیه استکباری را چنین به رشته تحریر در آورده بودند:

«روزی که اسحق را از شیر مادر باز داشتند ابراهیم ضیافتی عظیم بر پا کرد، آنگاه ساره پسر هاجر مصری را که از ابراهیم زائیده بود دید که خنده می‌کند، پس به ابراهیم گفت: این کنیز را با پسرش بیرون کن، زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحق وارث نخواهد بود... خدا به ابراهیم گفت: سخن او را بشنو، زیرا که ذریت تو از اسحق خوانده خواهد شد و از پسر کنیز نیز امتی بوجود آورم زیرا که او نسل تو است. (۱۷)

آری بنی اسرائیل یا چنین روحیه‌ای به سوی بنی اسمعیل به شهر یثرب آمدند و میان کوه تیما و احد، مستقر شدند و خود را به عنوان مردمی کتابدار و با سواد بر مردم تحمیل کردند و با روحیه مال دوستی به جمع‌آوری مال و ثروت پرداختند و با سیاست شیطانی «تفرقه بیندازد و آقایی کن» از اختلاف میان دو قبیله «اوس» و «خزرج» سوءاستفاده نموده، بر آنها سیادت می‌کردند و در یک کلام دارای سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در مدینه شدند. (۱۸)

هرگاه میان دو قبیله اوس و خزرج با یهودیان جنگ در می‌گرفت، از یهودیان می‌شنیدند که می‌گفتند پیامبر زمان به زودی ظهور خواهد کرد و ما او را علیه شما یاری خواهیم داد. (۱۹)

پارود ونیز شتر... برای شما نجس است». (۲۴)
ومسیحیان، به پیروی از رؤیای پطرس، همه
گوشتها حتی گوشت خوک را بر خود حلال
کردند، علی رغم اینکه حتی در تورات فعلی،
صریحاً حرام شمرده شده است.

یکی از نشانیهای مکتوب در تورات وانجیل
راجع به پیامبر اسلام (ص) این بود که: «یحل لهم
الطیبات ویحرم علیهم الخبائث ویضع عنهم اصرهم
والاغلال التي كانت علیهم» (اعراف/۱۵۷): آنچه را
که پاکیزه است برایشان حلال و آنچه را که پلید
است حرام می گرداند و بارهای گران وزنچیرهایی
که بر گردن آنها بود برمی دارد.

اینک در سوره مائده خطاب به کسانی که به
پیامبر اسلام ایمان آورده اند، نسخ پاره ای از احکام
تورات را اعلام می کند و می فرماید: «یا ایها الذین
آمنوا اوفوا بالعقود...»: و به عهد و پیمانهای خود
وفا کنید که در سایه ایمانتان به قرآن و پیامبر کفر
دنیوی نقض پیمان و کفران و عصیان از شما
برداشته شد و استفاده از انواع متافع بهیمة انعام
(شتر، گاو، گوسفند) بر شما حلال گردید: «احلت
لکم بهیمة الانعام» و بدانید که نعمات دنیوی
و اخروی الهی در برابر وفای به عهدتان منظور
شده است (بقره/۴۰).

مشکل سومین آیه مائده

«الیوم یس الذین کفرو من دینکم فلاتخشوهم
و اخشون، الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم
نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً». گرچه قبلا در
سوره بقره: آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ و سوره انعام، آیه
۱۴۵، بطور اجمال چهار دسته از خبائث (مردار،
خون، گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح
شده) حرام گشته و سوره نساء راه را برای تحریم
خمر آماده و هموار کرده بود، آیات تورات بوسیله

آیات قرآن نسخ می شد، اما اعلام رسمی و قطعی
آن به تفصیل در ده ماده در این سوره، در واقع به
معنای کنار رفتن تورات وانجیل و جانشین شدن
آیات بهتری به جای آن است «ومانسخ من آیه او
ننسهانات یخیر منها او مثلها» (بقره/۱۰۶) و این
امر به شدت اهل کتاب را خشمگین و ناراحت
می کرد و طبیعی است که مسلمانان را از
عکس العمل احتمالی یهودیان و مسیحیان نگران
سازد و آنان را از اعلام و تبلیغ قطعنامه قرآن و نسخ
و برکناری حکومت تورات وانجیل و جایگزینی
حکومت قرآن، باز دارد.

از اینرو در سومین آیه سوره مائده، ضمن اعلام
حرمت خبائث و نسخ تورات وانجیل به مسلمانان
می فرماید: «فلاتخشوهم و اخشون» از کفر
پیشگان اهل کتاب برای اعلام نسخ تورات وانجیل
نترسید، بلکه از خدا بترسید. که امروز کفر
پیشگان اهل کتاب و غیره از کشاندن دین شما به
دین شرک آلود خودشان و یا ضربه زدن و محدود
شدن دین اسلام به اعراب مأیوس شدند: «الیوم
یس الذین کفروا من دینکم».

دیگر تنهادلخوشی مشرکین و کفرپیشگان اهل
کتاب این بود که چون پیامبر اسلام (ص) پسر
و جانیشینی ندارد. «ابتر» بوده، بعد از مرگ او همه
چیز یک باره تمام شود و ولایت و خلافت و اقتدار
زمین بار دیگر به آنها باز گردد و کتاب تورات
وانجیل در جامعه حاکم گردد.

خداوند در همین آیه اعلام می دارد که امروز
همراه اعلام نسخ احکام تورات وانجیل با سه بار
اعلام لغو ولایت اهل کتاب و نهی مردم از درآمدن
در ولایت آنان در همین سوره مائده آیه ۵۱: «یا
ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصراری اولیاء
بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه
منهم». (۲۵)

باشد، اما وقتی دیدند که دین پیامبر جهانی است و یهودیان را در شمار اولین مخاطبان قرار داده و آنها را بر اساس میثاقی که قبلاً با خدا بستماند - که از پیامبر آینده پیروی و حمایت کنند (آل عمران / ۸۱) - به سوی دین خود فرامی خوانند، غرورشان سخت درهم فروریخت: «قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراة والانجیل وما نزل الیکم من ربکم» (مائده / ۶۸) بگوای اهل کتاب، شما پایگاهی ندارید مگر آنکه تورات وانجیل آنچه را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده بیای دارید.

اکنون مشکل ارتباط آیات، سوره مائده را مورد بررسی قرار می دهیم:

مشکل نخستین آیه مائده

۱- «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود، احلت لکم

بهیمة الانعام...»

همانطور که در سوره های بقره، آل عمران و نساء به تفصیل آمده و در این سوره نیز به آن اشاره شده: بنی اسرائیل سمبل عهد شکنی بودند (۲۲): «او کلما عاهدوا عهداً نبذة فریق منهم» و همواره به ظلم و کفر و ناسپاسی و تکذیب و کشتار پیامبران می پرداختند، خداوند به کیفر این ستمها، مائده آسمانی را از آنان قطع کرد (بقره / ۶۱) و نعمات نیکویی که برای آنان حلال بود، حیرام گرداند (نساء / ۱۶۰).

از جمله تورات به این نعمات چنین اشاره می کند: «هر بهیمة ای که شکافته سم باشد، لیکن شکاف تام ندارد و نشخوار نکنند... و هر چه بر کف

* اهمیت این مسأله وقتی معلوم می شود که بدانیم فدیه اسرای جنگ بدر، هر کدام ۴۰۰۰ درهم بود رک: السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۱۶.

یهودیان بانشانیهایی که از پیامبر موعود (حضرت محمد ص) در کتابهایشان خوانده بودند، راهی شهر یثرب شدند (۲۰) تا با کمک او بردشمنان خود پیروز گردند و سلطه و اقتدار خود را گسترش دهند. از اینرو به هنگام ورود پیامبر اکرم ص به یثرب از آن حضرت استقبال گرمی به عمل آوردند. ولی وقتی رسول اکرم ص میان اوس و خزرج، و نیز مهاجرین و انصار، پیمان برادری و وحدت اسلامی ایجاد کردند، یهودیان زمینه سلطه سیاسی خود را از دست دادند. (۲۱)

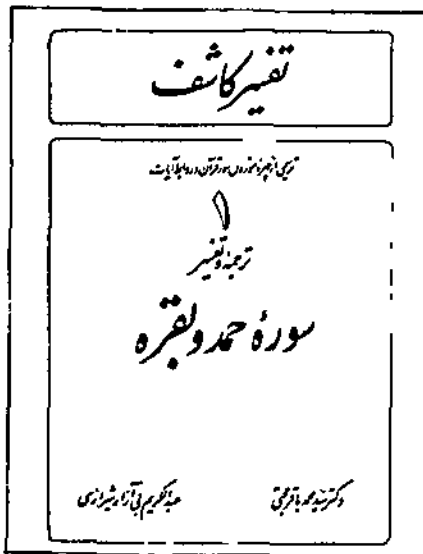
و از طرف دیگر با تلاش پیگیری که پیامبر ص برای باسواد کردن مسلمانان بکار بردند تاجایی که فدیة هراسیر جنگی را تعلیم خواندن و نوشتن به ده مسلمان قرار دادند* و روزها در حدود چهارصد نفر در «صفه» مسجد پیامبر ص به تحصیل علم می پرداختند، زمینه سلطه فرهنگی را نیز از یهودیان باز می گرفت. (۲۲)

مسأله دیگر یهود این بود که آنان خود را ملت برگزیده خدا می انگاشتند و ولایت الهی و خلافت زمین و کتاب آسمانی را منحصر به خود می دانستند و انتظار داشتند که پیامبر اسلام از میان آنان بر انگیزند، و از این بالاتر، توقع داشتند که پیامبر اسلام از آنان پیروی کند. «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصراری حتی تستیع ملتهم» (بقره / ۱۲۰) و یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خشنود نخواهند شد مگر آنکه از آیین آنان پیروی کنی.

وقتی خداوند در سوره بقره پرده از چهره کفر و فسق و ظلم آنها برداشت و با انتقال دادن قبله مسلمانان از قبله یهود، به قبله ابراهیم، استقلال مسلمانان را اعلام داشت، انتظار آنها این بود که دعوت پیامبر، دعوتی محدود برای بیسوادان و مردم امی عرب بوده و کاری به کار آنها نداشته

به دستورات الهی عمل کنند، خدا با آنها باشد، اما در اثر عهد شکنیهایشان خداوند آنان را طرد و مورد لعنت و دورباش قرارداد و دلپایشان را سخت گردانند (آیات ۱۲ و ۱۳): «فیما نغضهم میثاقهم لعناهم».

همچنین از نصارا نیز پیمان گرفت، ولی آنها پاره‌ای از تذکرات را فراموش کردند و تاروز قیامت دچار دشمنی و عداوت با یکدیگر شدند. (آیه ۱۴): «فأغرینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة».



۳. دعوت اهل کتاب بقرآن و بیان انحرافات
ای اهل کتاب! پیامبر (ص) به سوی شما آمد تا بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما پنهان می‌کردید آشکار سازد، و از بسیاری درگذرد، ا جانب پروردگار، نور و کتاب روشنگری به سو: شما آمده که خداوند بوسیله آن کسانی را که ا پی‌ریضا و خشنودی او هستند، به راه صلح و سلا هدایت می‌کند و از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد و به راه راست هدایت می‌کند. (آیات ۱۵-۱۶).

می‌شود تا پیام اساسی سوره مائده را که در حجة الوداع بر وی نازل شده رسماً به مردم ابلاغ کند. «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک» ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شد ابلاغ کن.

چه چیز بر پیامبر نازل شده بود؟

سوره مائده، آخرین سوره و جامع پیامهای سایر سوره‌های قرآن، بلکه به مثابه قطعه‌نامه قرآن است و در حجة الوداع تازه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است اگر رئیس مطالب این سوره را از نظر بگذرانیم، این مسائل جلب توجه می‌کنند که همگی باهم مربوطند:

۱. نسخ پاره‌ای از احکام تورات و انجیل

حلال کردن طیبات و حرام کردن محرّمات که از وظایف و نشانه‌های پیامبر موعود در تورات و انجیل بود (اعراف/۱۵۷) بخصوص چیزهای طیبی که یا یهودیان خود بر خود حرام کرده بودند (مانند گوشت شتر) و یا خداوند به کیفر عهد شکنیهایشان تحریم فرموده بود (مانند بهیمه انعام) و یا چیزهای ناپاکی که مسیحیان باروئای دروغین پطرس بر خود حلال کرده بودند (مانند شراب و گوشت خوک) (آیات ۱-۵)

همچنین برداشتن احکام سنگینی که در مورد طهارت و نجاست به عنوان کیفر بر بنی اسرائیل اجرا می‌شد (آیه ۶) مشروط به تقوی در برابر میثاق با خدا، قیام برای خدا، گواهی از روی عدالت، پرهیز از بی‌عدالتی و توکل بر خدا و در برابر خداوند و عده مغفرت و پاداش عظیم و جلوگیری دشمنان از دست‌یازیدن به آنها را داده است. (آیات ۷-۱۱)

۲. لغو میثاق یهود و نصاری با خدا

خداوند از بنی اسرائیل میثاق گرفته بود که اگر

و به دنبال آن واعلام ولایت خدا و پیامبر (ض) و ادامه ولایت پیامبر توسط علی (ع) و خواندانش می فرماید:

«انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة وهم را کعون» (مائده/۵۵)

که به اتفاق تمام مفسرین شیعه و نیز اکثر مفسرین اهل سنت، قسمت سوم آن در مورد علی بن ابی طالب است. (۲۶)

آری باین حکم که امروز در کنار نسخ ویرکناری تورات و انجیل و اهل کتاب از ولایت و خلافت در این سوره اعلام شده و ثبات و بقای ولایت الهی و پیامبر (ص) بر مؤمنان و بعد از پیامبر، علی (ع) و خواندانش ادامه ولایت و حکومت قرآن و خلافت و اقتدار مسلمانان را در بر دارد. «دین شما را تکمیل و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و اسلام را به عنوان آیین (زندگی) برای شما پسندیدم»: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا».

بنا بر این از اعلام نسخ تورات و انجیل و حلال شدن طبیات و حرام شدن خیانت از اهل کتاب و مشرکان نترسید که دیگر دوران ولایت آنان سپری شده و ولایت، منحصرأ از آن خدا و پیامبر (ص) و بعد از پیامبر، علی (ع) است، پس از خدا بترسید و به احکام قرآن عمل کنید، مگر اینکه در روزگار قحطی و کمبود آذوقه به خوردن محرّمات ناگزیر شوید، و متمایل به گناه نباشید، آنگاه خداوند آمرزنده و مهربان است: «فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فان الله غفور رحیم».

مشکل آیه «تبلیغ»

بر اساس روایات صحیح شیعه و سنی، آیه ۶۷ سوره مائده: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من

ربک...» مربوط به اعلام ولایت علی بن ابی طالب (ع) در روز غدیر خم است، ولی اشکال بعضی از علمای اهل سنت مانند امام فخر رازی، شیخ محمد عیده و شیخ محمد رشید رضا این است که آیات قبل و بعد، همه مربوط به اهل کتاب است.

صاحب تفسیر المنار می نویسد: ما حدیث ولایت را می پذیریم و ولایت علی (ع) را مانند ولایت پیامبر به حساب می آوریم و ایمان داریم که قرآن و عترت از هم جدا نشود، اما چون آیات قبل و بعد از آن در مورد یهود است، آیه فوق نمی تواند در ارتباط با ولایت علی بن ابی طالب باشد. (۲۷)

برای حل این مشکل باید آیه فوق را در جمع تمامی سوره مورد توجه قرار دهیم، آنگاه خواهیم دید که آیه تبلیغ در عین ارتباط کامل با اهل کتاب، به اعلام ولایت علی بن ابی طالب (ع) در روز غدیر خم مربوط است.

زیرا همانطور که موقعیت یهودیان عصر پیامبر (ص) تشریح شد، در اثر از بین رفتن زمینه های سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، بنی اسرائیل از هنگام ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه با نزول آیات سوره بقره تا آخرین سوره قرآن، یعنی سوره مائده، آن همه غرور و تفاخر و استکباری که داشتند، درهم فرو ریخته بود و علی رغم آن همه توطئه ها و تبلیغات و بریدن از پیامبر (ص) و همدست شدن با مشرکین مکه، روز به روز عظمت و اقتدار پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان بیشتر و بیشتر می شد.

در این صورت اهل کتاب تنها یک دلخوشی برایشان باقی مانده بود و آن اینکه: چون پیغمبر اسلام (ص) فرزند و جانشین ندارد، لذا بعد از مرگ او یک باره همه چیز تمام می شود و آنها بار دیگر سلطه ولایت خود را بر مردم باز می یابند.

آری در چنین موقعیتی پیامبر اکرم (ص) مأمور

آری بنی اسرائیل نیز همچون قباایل بااعتراض به خدا و حضرت موسی «ع» از رفتن به جنگ خودداری کردند.

* خداوند قربانی وایثار صادقانه مسلمانان را همچون قربانی هاییل و ابراهیم و اسماعیل پذیرفت و فتح مکه را نصیبشان کرد (فتح ۱۸) و ندامت و حضور بنی اسرائیل را برای رفتن به جبهه بعد از اکراه و اعتراض نپذیرفت و آنها را چهل سال از سرزمین موعود، محرومشان ساخت: «قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة يستيهون في الأرض» (مائده ۲۶).

همانطور که قباایل به برادرش حسادت ورزید و گفت: «لاقتلک» تو را می کشم (مائده ۲۷) بنی اسرائیل نیز به برادر خود، بنی اسماعیل، بخصوص پیامبر اکرم (ص) حسادت ورزیدند: «أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل ابراهيم الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا عظيما» (نساء ۵۴).

* قباایل تصمیم گرفت که دستش را برای کشتن برادر دراز کنند: «لئن بسطت الي يدك لثقتلنی» (مائده ۲۸) بنی اسرائیل نیز بارها برای کشتن و مسموم کردن پیامبر و از بین بردن مسلمانان دست خیانت گشودند: «اذا هم قوم أن يبسطوا اليكم ايديهم» (مائده ۱۱).

۵. بی تقوایی بنی اسرائیل در قوانین کیفری

* در آیه ۳۳ کیفر شدید تجاوز به امنیت اجتماعی را بیان می کند و در آیه ۳۷ می فرماید دست دزد را برای عبرت دیگران باید قطع کرد.

* در آیات ۴۱ - ۵۰ نشان می دهد که بنی اسرائیل برای رهایی از قوانین کیفری تورات به پیامبر اسلام (ص) زبانی ایمان می آورند و قرار می گذارند که اگر پیامبر به مجازات کمتری حکم کرد بپذیرند و گرنه از آن احتراز جویند.

* آنها که خدا را همان مسیح می دانند کافرند. (آیه ۱۷).

* یهود و نصارا ادعا می کنند ما پسران و دوستان خدائیم، ادعای بی اساس است.

* سرپیچی بنی اسرائیل از فرمان خدا برای رفتن به جنگ بعد از آن همه نعمات الهی و چهل سال سرگردانی و محرومیت از سرزمین موعود به کیفر تخلف و فسقشان (آیات ۲۰-۲۶)

۴. تأویل دو بنی آدم به بنی اسرائیل و بنی اسمعیل سخن از بی تقوایی و عدم شایستگی بنی اسرائیل را برای خلافت و امامت زمین در مقابل بنی اسمعیل و مسلمانان که امامت و اقتدار زمین به آنها منتقل می شود، در ردیف داستان قباایل و هاییل ذکر می کند که وقتی خداوند قربانی هاییل را می پذیرد و قربانی قباایل را نمی پذیرد، قباایل اظهار می دارد که تو را می کشم، اما هاییل می گوید: «انما يتقبل الله من المتقين».

خداوند تنها از تقوی پیشگان می پذیرد (آیه ۲۷).

بنی اسرائیل نیز در دروازه سرزمین موعود و بنی اسمعیل (پیامبر و مسلمانان) در بدر و حدیبیه مانند جدشان حضرت ابراهیم و اسمعیل مورد آزمایش الهی قرار گرفتند، در حالی که یا خود قربانی برده بودند.

همانطور که هاییل بهترین چیزی که داشت با اخلاص و تقوی به قربانگاه برد، بنی اسماعیل و مسلمانان نیز در بدر و حدیبیه حاضر شدند جان شیرین خود را در راه خدا و پیامبرش قربانی کنند و اظهار دارند: ما همچون بنی اسرائیل نخواهیم بود که بموسی گفتند: «اذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون» (مائده ۲۴) بلکه می گوییم: تو و پروردگارت بروید و بجنگید و ما هم باشما همرمز خواهیم بود (۲۸).

شیعه و سنی منظور علی (ع) است) کسانی که ولایت خدا، پیامبر (ص) و علی (ع) را بپذیرند (نباید هراسی از بازگشت ولایت یهود و نصارا داشته باشند) که مسلماً حزب الله پیروز و غالب خواهند بود. (آیات ۵۵ و ۵۶) «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة وهم را کعوز و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون».

* در آیه ۵۷ بار دیگر تکرار می‌کند که مبدا اهل کتاب و کفار - که دین و نمازشما را به استهزا گرفته‌اند - به‌عنوان اولیاء خود برگزینید. بلکه اگر ایمان دارید تقوای الهی در پیش گیرید، زیرا اینان قومی هستند که عقل خود را بکار نمی‌برند «ذلک بانهم قوم لا یعقلون».*

۷. خشم و کینه اهل کتاب

طبیعی است که آنچه در این سوره یکجا و رسمیه بصورت قطعنامه قرآن و در سوره‌های دیگر بطویراکنده نازل شده، خشم و کینه اهل کتاب را یکجا برانگیزد و آنها را به فکر انتقام وادارد.

از اینرو آیه ۵۹ می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا الا ان آمننا بربنا و ما انزل الیه و ما انزل من قبله وان اکثرکم فاسقون»: بگو: اهل کتاب، آیا خشم و کینه و خرده‌گیری شما نسبت به ما نه به این خاطر است که ما به خدا و به آنچه بر ما و بر پیشینان فرو فرستاده شده ایما آوردیم، و اینکه بیشتر شما فاسقید؟!

آنگاه در آیات ۶۰-۶۶ از چهره یهودیان بزه‌

خداوند علمای بی‌تقوای یهود را به‌عنوان «سماعون للکذب»: تشنه شنیدن حکم دروغ، و «اکالون للسحت»: طالب خوردن مال حرام، خوانده، و سرانجام این ملت پیمان‌شکن را که خواستار حکم غیر الهی، یعنی حکم جاهلی بودند باسه‌عنوان «کافرون ظالمون، فاسقون» معرفی می‌کند. و از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد که طبق آنچه را که خداوند نازل کرده میان آنان حکم کند.

۶. انتقال ولایت از بنی اسرائیل به مسلمین

* در آیه ۵۱-۵۳ سه بار از مسلمانان می‌خواهد که چنین ملت کافر، ظالم و فاسقی که خواستار حکم و حکومت غیر الهی است، اولیاء خود قرار ندهند و کسانی که با آنان طرح دوستی بستند از آنان (یعنی ظالمان) محسوب می‌شوند* و افراد بیمار دل که از ترس به سوی آنان می‌شتابند پشیمان شوند و تلاششان برباد است و زیانکار گردند.

* در آیه ۵۴ به مسلمانان باایمان هشدار می‌دهد که اگر از دین اسلام به‌سوی آنان برگردند، خداوند جمعیتی را جایگزین آنها سازد که دارای این چنین اوصاف باشند:

۱- خدا آنها را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند.

۲- در برابر مؤمنان متواضع می‌باشند.

۳- در برابر کافران خشن و نیرومندند.

۴- در راه خدا جهاد می‌کنند.

۵- و از سرزنش هیچ ملامت کسندند و نمی‌هراسند و این فضل خداست که به هر کس بخواهد اعطاء می‌کند.

* ولی و سرپرست شما منحصرأ عبارتند از خدا، و پیامبرش و آنان که ایمان آورده و نماز بپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌پردازند (طبق تفاسیر

* و همانطور که در سوره بقره پقره گذشت «ولا ینال عهد الظالمین»: عهد امامت به ظالمین نمی‌رسد.

* لازمه امامت و رهبری عقل است و همانطور که در کتب فلسفه سیاسی آمده امام و ولی در جامعه به منزله عقل بدن است. رجوع شود به کتاب جامع العلوم، امام فخر رازی، ص ۲۰۴، رساله نوبین، ج ۴، ص ۷۳.

۱- آیات افشا کننده چهره‌های کفر، ظلم، و فسق، و نفاق یهود و عدم لیاقت و صلاحیت آنها برای امامت و ولایت مردم.

۲- نسخ پاره‌ای از احکام تسمورات و انجیل (مائده/۱-۱۱)

۳- لغو میثاق و عهد و ولایت خدا با اهل کتاب (مائده/۱۲-۱۴)

۴- تهی شدید از قراردادن یهود و نصاری کافر و ظالم و فاسق و خواستار حکم و حکومت غیر الهی، بعنوان اولیاء (مائده ۱۵-۲۶).

۵- انحصار ولایت به خدا و پیامبر (ص) و بعد از پیامبر علی (ع) ادامه دهنده ولایت بر مؤمنان: انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم را کعون. (مائده/۵۵) قسمت ۱ و ۲ و ۳ و ۴، قبلاً در سوره‌هایی چون بقره، آل عمران، نساء، انعام و اعراف نیز بطور پراکنده آمده بود، اما آنچه در این سوره تازگی دارد همان قسمت پنجم یعنی انحصار ولایت به خدا و پیامبر و بعد از پیامبر ادامه آن توسط امام علی (ع) است که ابلاغ آن باعث می‌شد که آخرین دریچه امید به بازگشت دین و ولایت بعد از مرگ پیامبر (ص) بسوی کفر پیشگان یهود و نصارا بسته شود و آنها از ضربه زدن به دین اسلام مأیوس گردند. «الیوم یش الذین کفروا من دینکم».

و بوسیله اعلام انحصار ولایت و ادامه آن بعد از پیامبر اکرم (ص) دین اسلام کامل گردد و نعمت الهی بر مسلمانان به حد کمال رسد: «الیوم الکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» (مائده/۳)

زیرا اگر مسلمانان همچنان از ترس یهود و نصارا تحت ولایت آنان در می‌آمدند و همچنانکه امروز بسیاری از کشورهای اسلامی در آمده‌اند، دیگر اسلام و استقلال و آزادی و عظمت و شکوه خود را از دست می‌دادند و با مرگ پیامبر یک باره

پرده برداری بیشتری می‌کند:

* کسانی که مورد لعن و غضب الهی واقع شده‌اند.

* بعضی از آنها بصورت میمون و خوک درآمدند.

* و طاغوت را پرستش کردند.

* و بسیاری بسوی گناه و تجاوز خوردن مال حرام می‌شتابند.

* و علمای یهود آنان را از سخنان گناه آلود و حرام خواری باز نمی‌دارند، چه بد می‌کردند.

* و بابی ادبی گفتند دست خدا باغلی و زنجیر بسته، دستهای خودشان بسته و لغت خدا بر آنان باد.

* خداوند در آیه ۶۸ می‌فرماید: «ولیزیدن کثیراً

منهم ما نزل الیک من ربک طغیاناً و کفراً».. و این

آیات که بر تو از جانب پروردگارت نازل شده

بر سر کشتی و کفر بسیاری از آنها بیفزاید اما

مأمیانشان - تاروز قیامت - عداوت و دشمنی

افکنندیم، هر گاه آتش جنگ برافروزند، خداوند آن

را فرو نشانند و اینان به فساد در زمین می‌کوشند

و خداوند مفسدین را دوست ندارد.

البته اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه

می‌کنند، گناهشان را می‌پوشانندیم

و به بوستانهایی سرشار از نعمت و ناز وارد

می‌کردیم، «ولو ان اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا

عنهم سیاتهم و لادخلناهم جنات النعیم».

متاسفانه برخی از آنها میانرو، ولی بسیاری از

آنان بد کردارند «منهم امة مقصده و کثیر منهم ساء

ما یعملون».

۸- فرمان ابلاغ

اکنون به دنبال پرده برداری از زنده‌ترین

چهره‌های یهود، خداوند در آیه ۶۷ به پیامبرش

فرمان می‌دهد: آنچه از جانب پروردگارت نازل

شده به مردم ابلاغ کن: «بلغ ما نزل الیک من

ربک».

بنا بر این، آنچه بر پیغمبر نازل شده عبارت‌است

همه چیز تمام می‌شد. و یا دچار اختلاف داخلی می‌گشتند و از صفحه تاریخ محو می‌شدند. آنگاه بود که تمامی زحمات پیامبر (ص) به هدر می‌رفت و رسالتش به انجام نمی‌رسید.

از اینرو خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «و ان لم تفعل فما بلغت رساله» یعنی اگر - آنچه در سوره مائده نازل شده مخصوصاً آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...» را به مردم - ابلاغ نکنی رسالت او را به انجام نرسانده‌ای.

البته طبیعی است که این «ابلاغ»، بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و آنان را به عکس‌العمل شدید و قتل پیامبر (ص) وادار کند. «ولیزیدن کثیراً منهم ما انزل الیک من ربک طغیاناً و کفراً» اما خداوند می‌فرماید: «والله یعصمک من الناس»: و خداوند تو را از مردم (کفریسته یهود و غیره) در امان نگاه خواهد داشت و خداوند توطنه گروه کفرپیشه را به هدف نمی‌رساند: «ان الله لایهدی القوم الکافرین».

اهل کتاب، دست آخر توقع داشتند که چون تورات و انجیل مورد قبول پیامبر (ص) است، به آنها اجازه دهد که پایگاه و موقعیت خود را بطور خودمختار حفظ کنند، یعنی آنها قرآن را کنار بگذارند و پیامبر (ص) هم کاری به آنها نداشته باشد. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که به آنها

اعلام کند: شما هیچ موقعیتی ندارید مگر وقتی که واقعاً به تورات و انجیل و آنچه بر شما نازل شده (قرآن) عمل کنید: «قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراة و الانجیل و ما انزل الیکم من ربکم» (آیه ۶۸) زیرا اگر قرآن را کنار بگذارید در واقع قسمت اصلی و مهمی از تورات و انجیل را نفی نموده عمل نکرده‌اید، چرا که تورات و انجیل مشخصات پیامبر اسلام (ص) را پیشگوئی کرده و با بنی اسرائیل عهد نموده که به وی ایمان آورند و از

او حمایت کنند و از نور و قرآنی که بر او نازل شده است پیروی نمایند. (۲۹)

آری ای پیامبر! این حقیقت را به آنان ابلاغ کن، هر چند که بسیاری از آنان در برابر «ما انزل الیک» بر طغیان و کفرشان افزوده خواهد شد. آنان باید بدانند که با اعلام این سوره دیگر دوره ولایت و فرمانروایی آنها سپری شده و اینک نوبت ولایت مسلمانان با ایمان است و با ابلاغ انحصار ولایت در خدا و پیامبر (ص) و تداوم آن بوسیله علی (ع) باید بدانند که دیگر ولایت و خلافت پسوی آنان باز نخواهد گشت.

بنابراین، آیه تبلیغ در عین ارتباط کامل با آیات قبل و بعد که درباره یهود و اهل کتاب است کاملاً مربوط به ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

و طبق روایات صحیح شیعه و سنی، به دنبال نزول این آیات، پیغمبر اکرم (ص) در غدیر خم - جایی که راه یمن از راه مدینه جدا می‌شد و اهل یمن می‌خواستند به یمن برگردند - در برابر همه مسلمانان قرآن گرفت و دست علی (ع) را بالا برد و صریحاً ولایت علی بن ابی طالب را به همه مردم ابلاغ فرمود. (۳۰)

و برای انتقال سرزمین موعود (سرزمین قدس) از یهود به مسلمانان، فرمان تشکیل «جیش اسامه» را صادر کرد.

بعد از وفات پیامبر (ص) سپاه اسامه به سوی فلسطین حرکت کرد و هنوز بیست روز از حرکت سپاه نگذشته بود که مسلمانان بر شهر بلقا واقع در فلسطین اشغالی هجوم بردند. و این پیروزی و حمله برق‌آسا، گامی اساسی در راه فتح شام و فلسطین و بیت المقدس بود. و سرانجام در سال

در نظر گرفته شود، معنای خاص هر کدام ظاهر گشته، معلوم می‌شود که در واقع تکراری و بی‌ارتباط نیست.

آنگاه است که دریای بیکران مفاهیم قرآن در برابر ما آشکار می‌گردد و استفاده ما از قرآن هزاران برابر خواهد گشت و مهمترین چهره اعجاز قرآن، یعنی اعجاز در ترکیب و ترصیف و نظم و تناسب آیات در برابر ما نمایان خواهد شد.

مشکل در علم تناسب و ارتباط آیات گوناگونی موضوعات در هر سوره و گاهی حتی در یک آیه است، که نمونه‌های بارز آن در سوره مائده است. در این مقاله با توجه به فضای تاریخی خاص این سوره دیدیم که موضوعات گوناگون مطرح شده در سوره در عین حال کاملاً به یکدیگر مربوطند.

۱۵ هجری، قدس رسماً به تسلط مسلمانان درآمد. (۳۱)

نتیجه گیری کلی

ارتباط و تناسب آیات قرآن، علم عظیمی در علوم قرآنی است که باعث می‌شود قسمتی از آیات سوره، قسمت دیگر را تفسیر کند «یفسر بعضه ببعض» و برخی گواه بر برخی دیگر باشد «یشهد بعضه ببعض» (۳۲) و بعضی با بعض دیگر سخن گوید: «ینطق بعضه ببعض» (۳۳) و آیات مبهم و متشابه بوسیله آیات محکم از پرده ابهام درآید و تأویلات الهی در خلال آیات قرآنی کشف گردد. و آیاتی که تکراری یا بدون ارتباط و تناسب به نظر می‌رسند، وقتی در مجموعه آیات سوره مربوطه

یادداشتها:

10- The meaning of Amaniya in Suraa 2: 73, ing kritzack and B. Winder (edd) – The World of Islam london, 1956. pp. 41-46.

۱۱- به نقل از تفسیر نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، برهان‌الدین ابی‌الحسن ابراهیم بن عمر البقاعی، چاپ هند ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷-۹، اتقان، نوع ۶۲، ج ۲، ص ۲۴۱.

۱۲- چهل حدیث، امام خمینی قدس سره، ص ۵۴۷.
۱۳- مدخل الی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیل مقارن، دکتر محمد عبدالله دراز، ترجمه محمد عبدالعظیم علی، مراجعه دکتر السید محمد بدری، کسویت ۱۹۷۱، دارالقرآن و دارالقلم، ص ۱۱۸-۱۲۰.

۱۴- تفسیر عیاشی، سمرقندی، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۲، البحار، ج ۱۹، ص ۳۰ و ۹۳ و ۹۴، البرهان، ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱، الصافی، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۷، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۷۳ و ۸۷.

۱۵- رک: الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، بحث «تناسب آیات».

۱- رک: الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، نوع ۶۲.

2. Arabic and Islamic Studies in honor of H.A.R. Gibb. ed 1965. p. 579.

۳- الاتقان، نوع ۶۲، ج ۲، ص ۳۴۱.

۴- انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن، شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر، ص ۷-۹.

۵- رک: کتاب سنن ابی داود، ص ۳۱.

۶- رک: الاتقان، ج ۱، ص ۹۹، البرهان، ج ۱، ص ۲۳۸ و ۲۳، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۴۸ و ۴۹ و ۴۴ و ۶۴ و ۷۴، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۱، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۲۷ و ۵۲۷، المرشد الوجیز، ص ۴۴، البیان، آیت‌الله خوبی، ص ۹۲.

۷- تحریر الوسیله، امام خمینی رضوان‌الله علیه، ج ۱، ص ۱۶۰.

۸- به نقل از الاتقان، نوع ۶۲، ج ۲، ص ۳۴۲.

۹- همان مأخذ، ص ۲۴۲.

- ۱۶- رک: الغدير، علامه عبدالحسين امينى، ج ۱، ص ۲۰
 ۲-۲۲۸
 ۱۷- تورات، سفر پيدائش، ۲۱: ۱۳-۹
 ۱۸- رک: الاغانى، ج ۱۹، ص ۹۵
 ۱۹- رک: سيره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۲۵
 ۲۰- رک: تفسير عياشى، ج ۱، ص ۴۹: تفسير البرهان، ج ۱، ص ۱۲۸، تفسير الناصى، ج ۱، ص ۱۱۵، مجمع البيان، ج ۱، ص ۱۵۸
 ۲۱- تفسير فى ظلال القرآن (در سايه قرآن) سيد قطب، ج ۱، ص ۵۰-۵۳، تفسير كاشف، ج ۳، ص ۱۴
 ۲۲- رک: السيرة النبويه، ابن هشام، ج ۲، ص ۲۱۶
 ۲۳- رک: سوره بقره، آيات ۵۱، ۵۴، ۵۹، ۶۵، ۸۳، ۸۴، ۹۳ و ۱۰۰
 ۲۴- تورات، سفر لاويان، ۱۱: ۴-۲۶
 ۲۵- همچنين، رجوع شود به: آيات ۵۷ و ۸۱- از سوره ي مائده.
 ۲۶- رک: تفسير مواهب عليه، كاشفى، ج ۱، ص ۳۳۰ و تفسير كشاف زمخشرى ج ۱، ص ۶۴۹ و نيز تفسير نظم الدرر فى تناسب الآيات والسور، يفاعى، ج ۱، ص ۱۹۴
 ۲۷- تفسير المنار، ج ۶، ص ۴۶۳
 ۲۸- السيرة النبويه، از ابن هشام- ج ۲، صفحات ۲۶۶-۲۶۷
 ۲۹- رک: سوره اعراف، آيه ۱۵۷، و تورات، سفر تكوين، ۱۷: ۱۷-۲۰، ۴۹: ۱۰، وانجيل يوحنا، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷
 ۳۰- رک: تفسير كبير، فخر رازى، ج ۱۲، ص ۴۸ تفسير المنار ج ۶، ص ۴۶۳، الغدير، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۲۹، صحيح ترمذى، ج ۲، ص ۲۹۸، مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱، صحيح، ابن ماجه، ص ۱۲، مستدرک الصحيحين، حاکم، ج ۳، ص ۱۰۹، الدر المنثور، سيوطى (در سوره احزاب ذيل آيه النبى اولى بالمؤمنين من انفسهم)، حلية الاولياء، ابونعيم، ج ۵، ص ۱۶، تاريخ بغداد، ابن خطيب بغدادى، ج ۸، ص ۲۹۰، فيض الغدير، ج ۶، ص ۲۱۷
 ۳۱- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: تفسير كاشف، ج ۳، ص ۲۲
 ۳۲- نهج البلاغه، امام على (ع) خطبه ۱۳۱، نيز الكشاف، زمخشرى، ج ۱، ص ۹۸ و ۹۹
 ۳۳- مأخذ سابق.

